یادداشت

پیروزی بر عطش انتقام

مهناز افضلی
مستندساز

■ شنبه بود که خبر را شنیدم؛ یکشنبه آمنه چشمان مجید را قصاص خواهد کرد. ذهنم پر شد از تصاویر طولانی و وحشتناک زجر مجید. از سویی دیگر تصاویر هولناک خشونتی که آمنه را به تاریکی و تنهایی محکوم کرده بود بی‌رحمانه قلبم را می‌سوزاند و مملو از نفرت می‌کرد. حس می‌کردم چقدر سخت است؛ آمنه بودن و در معرض تصمیم‌گیری.

در آستانه صبح خبر رسید آمنه از قصاص مجید گذشت و چشمان او را بخشید. آمنه عزیز آفرین. تو توانستی بر عطش انتقام و لذت تنبیه پیروز شوی. تو توانستی آغازگر تاریخ ملایمت و بخشش باشی. تو با بخشش زندگی مجید را به مرگ هزارباره تبدیل کردی؛ جان‌کندنی سخت پیش از آنکه زندگی‌اش به پایان برسد.

چه بسا با اجرای این حکم او که مجرمی دیوانه بود تبدیل به قهرمان می‌شد و دل همه را می‌سوزاند.

اما در این داستان دراماتیک تو به هیئت یک نقش اول قهرمان درآمدی و ادبیات جرم را همان‌گونه که باید باشد نگاشتی: آمنه ابرقهرمان مظلوم، مجید مجرم همیشگی تاریخ. اینک روایت زندگی تو ابرقهرمان بس دشوار و سخت است؛ زیرا تو گفتمانی جدید درباره تنبیه مجرم در جامعه ایجاد کرده‌ای. تو توانستی جنایتکار را در ناامیدی فرو بری و به حال خود رها کنی. یک حرکت نو و قدرتمند در تنبیه؛ تنبیهی سخت‌تر از گرفتن چشمانش. زیرا او اینک نظاره‌گر چشمانی است که او را سخت و هر روزه سرزنش می‌کنند؛ مهلکه‌ای که هیچ گریزی از آن نخواهد داشت.

حادثه‌ها

تعرض ۴ مرد به یک زن

■ **خبرآنلاین:** چهار مرد که به یک زن روستایی در خراسان رضوی تعرض کرده‌اند، دستگیر شدند. این حادثه در روستایی از شهرستان تربت‌جام به وقوع پیوست و چهار مرد بعد از ربودن یک زن او را مورد آزار جنسی قرار دادند. به گفته مصطفی ترک‌همدانی، وکیل شاکی متهمان، هفته گذشته پس از ربودن این زن، به زور او را مورد اذیت‌وآزار قرار دادند و از وی تصویر گرفتند و تهدید کردند در صورت شکایت این تصاویر را منتشر خواهند کرد. این وکیل دادگستری گفت: «این زن، سرپرست سه فرزند و تحت پوشش کمیته‌امداد است.» وی همچنین اظهار داشت: «دادستان شهرستان با همکاری خوبی که داشت، دستور رسیدگی قانونی و بازداشت متهمان را صادر کرد، ولی یک نفر از متهمان که با خودرو سمند خود، قربانی را ربوده بود، هنوز شناسایی نشده است.» به گفته وکیل شاکی، موضوع تجاوز به عنف در حال حاضر به دلیل عدم صلاحیت دادسرای شهرستان، با قرار عدم صلاحیت به دادگستری مرکز استان (مشهد) ارجاع شده و قسمت‌هایی از این پرونده که درباره آدم‌ربایی و تهیه تصاویر غیراخلاقی از این زن و انتشار آن است، در دادیاری شعبه دوم تربت‌جام در حال رسیدگی است. تاکنون دادگستری مشهد درباره این پرونده اظهارنظری نکرده است. دادستان تربت‌جام نیز تنها به ذکر این جمله بسنده کرد که: «یک پرونده قانونی در حال رسیدگی است و نمی‌توانم درباره جزییات آن اطلاع‌رسانی کنم».

مرگ ۱۹ مسافر بر اثر واژگونی اتوبوس

■ **ایسنا:** تعداد قربانیان واژگونی اتوبوس مسافربری در «سر پل ذهاب» در استان کرمانشاه به ۱۹نفر رسید. این حادثه ساعت ۱۵ یکشنبه رخ داد و یک دستگاه اتوبوس ولوو که از مشهد بازمی‌گشت در مسیر «سر پل ذهاب» به «کرند» در استان کرمانشاه به دلیل عدم توانایی راننده در کنترل وسیله نقلیه ناشی از خستگی و خواب آلودگی واژگون شد. در پی این حادثه ۱۶نفر از سرنشینان اتوبوس در دم جان باختند و ۳۲نفر نیز مجروح شدند که سه‌نفر از آنها روز گذشته جان باختند. دکتر پرنا، رییس اورژانس کرمانشاه، با تایید مرگ سه مجروح اعلام کرد حال سایر زخمیان مساعد است.

آدم‌ربا در ملاءعام شلاق خورد

■ **فارس:** حکم شلاق یکی از محکومان در مسجدسلیمان در میدان همافران این شهرستان و در ملاءعام به اجرا درآمد. به گزارش دادگستری خوزستان، محمد معینی، دادستان مسجدسلیمان اظهار داشت: محکوم علیه «ک.خ» در سال ۸۴ و از سوی دادگاه جزایی این شهرستان، به ارتکاب مشارکت در آدم‌ربایی و آزاراذیت جنسی، به تحمل یک‌صد ضربه شلاق حدی، پنج سال حبس تعزیری و سه سال تبعید از محل سکونت فعلی محکوم شده بود که حکم شلاق، پس از پایان دوران محکومیت وی به اجرا درآمد. وی افزود: این فرد به همراه دو نفر دیگر که هر سه از افراد شرور و سابقه‌دار هستند، در سال ۸۰ با ربودن پسری ۱۶ ساله، وی را مورد آزاراذیت جنسی قرار دادند که دادگاه جزایی مسجدسلیمان آنان را محاکمه و برایشان رای صادر کرد. معینی تصریح کرد: پرونده محکومان برای اجرای احکام، به دادسرای مسجدسلیمان ارسال شده و حکم صادره در خصوص سایر متهمان نیز در حال اجراست.

سپاسگزاری آمنه از انبوه تشکرهای مردمی:

به «آمنه»ها کمک کنید

شرق: آمنه بهرامی‌نوا، دختری که روز یکشنبه در اقدامی غیرقابل پیش‌بینی جوان اسیدپاشی را که دو چشمش را نابینا کرده بود بخشید، از استقبال مردم از این تصمیم گفت.

آمنه دیروز در گفت‌وگویی با خبرنگار ما از همه کسانی که تلفنی و حضوری به خاطر این تصمیم او ابراز رضایت کردند، تشکر کرد و گفت: «من این کار را به خاطر مردم انجام دادم و خوشحالم که آنها خوشحال هستند. حتی چند نفر با من تماس گرفتند و پزشک و جراح معرفی کردند البته من ترجیح می‌دهم درمان را با پزشکان خودم ادامه بدهم.»

آمنه به مردم توصیه کرد وقتی می‌خواهند مجرمی را که به آنها ظلم کرده است مجازات کنند، بهتر است به واکنش‌های جامعه و افکار عمومی هم فکر کنند و به آن احترام بگذارند. او گفت: «من هم به همین خاطر تصمیم گرفتم مجید را ببخشم. از وقتی تصمیم به گذشت گرفتم حالم خیلی بهتر است. احساس سبکی می‌کنم و فکر می‌کنم گام بلندی در زندگی‌ام برداشتم. وقتی می‌توانستم مجید را مجازات کنم، او را بخشیدم و این احساس خوبی به من می‌دهد. از وقتی این خبر منتشر شده است مردم زیادی با من تماس گرفتند و تشکر کردند و من خیلی احساس رضایت دارم و به همه مردم توصیه می‌کنم ناملایمات را ببخشند تا مثل من احساس خوبی داشته باشند.»

آمنه ادامه داد: «درست است که در این سال‌های سخت من و خانواده‌ام تنها ماندیم و کسی کمک‌مان نکرد و همه کسانی که فریاد حقوق‌بشر می‌زدند بی‌تفاوت از کنارم گذشتند اما من بخشیدم تا به آنها بیاموزم مردم زمانی حرف ما را می‌فهمند که از ما عملی ببینند.»

آمنه بهرامی‌نوا که بسیار امیدوارانه نسبت به زندگی‌اش صحبت می‌کرد، گفت: چشمان من نمی‌بیند، اما تلاش می‌کنم این ضعف را جبران کنم و از حواس دیگرم کمک بگیرم. قصد دارم درمانم را کامل کنم و مشکلات پوستی‌ای را که به خاطر اسید برایم درست شده است، درمان کنم. کتابی در مورد این سال‌ها نوشته‌ام که جلد اول آن در آلمان چاپ شده است و با بسته‌شدن پرونده‌ام در مورد قصاص، جلد دوم آن را هم تمام می‌کنم و به دست ناشر می‌سپارم. این کتاب قرار است در ایران هم چاپ شود. قرارداد فیلمی را هم بسته‌ام و قرار است این فیلم به زودی در هالیوود کلید بخورد و در سفرم به نروژ در مورد آن با کارگردان صحبت خواهم کرد. البته قرارداد اولیه در این خصوص بسته شده است.

آمنه ادامه داد: من گلایه‌ای هم در مورد دیه‌ام دارم. من قبول کردم دیه قانونی را بگیرم و بیشتر از آن نخواستم. سعی کردم قانون‌مدار باشم اما حالا به من می‌گویند چون دیه زن نصف دیه مرد است دیه تو نصف می‌شود. من با نمایندگان مجلس در این خصوص صحبت کرده‌ام و قصد دارم در آینده به مجلس بروم و برای نمایندگان در این‌باره صحبت کنم. نمایندگان هم قول همکاری به من داده‌اند.

آمنه در مورد روند درمانش گفت: در کشورهای اروپایی وقتی به کسی آسیبی وارد می‌شود که جامعه در آن مقصر است دولت از او حمایت می‌کند اما در کشور ما این‌طور نیست. من قربانی فرهنگ غلط جامعه شدم و کاری که با من شد آنقدر فجیع بود که بازتاب جهانی داشت. یکی از دلایلی هم که رضایت دادم همین مساله بود، چون می‌دانستم دشمنان ایران از این ماجرا سوءاستفاده می‌کنند و علیه کشورم بیانیه می‌دهند اما دولت از من هیچ حمایتی نکرد و حتی چند سال پیش که مجبور شدم در اسپانیا در گرمخانه بمانم سفارت ایران به من گفت اگر پول نداری مشکل خودت است و به ایران برگرد. من خیلی دلم شکست. اگر در اسپانیا پناهنده می‌شدم خیلی به من رسیدگی می‌کردند اما من

عکس: آیدین رهبر، شرق

می‌خواستم فرزند ایران باقی بمانم و همچنان باقی می‌مانم.

آمنه گفت: من سختی‌های زیادی کشیدم که قابل گفتن نیست و این سختی‌ها هنوز ادامه دارد؛ هزینه‌های درمانم را نمی‌توانم تامین کنم. یکی از دلایلی که چشمم را از دست دادم همین بود که پول نداشتم و در اسپانیا تنها مانده بودم. از من گذشت اما از دولت و مردم درخواست دارم به آمنه‌های دیگر که قربانی این خشونت جامعه شده‌اند، کمک کنند.

گذشت از قصاص یک قاتل بعد از ۱۱ سال

متهم در یک انتقام‌جویی رییس سابقش را کشته و سه‌نفر را زخمی کرده بود

شرق: مردی که ۱۱سال قبل در جریان یک انتقام‌جویی دست به قتل زده و علاوه بر کشتن افسر بازنشسته نیروی‌انتظامی سه‌نفر دیگر را نیز به شلیک گلوله زخمی کرده بود، با اعلام رضایت اولیای دم مقتول از طناب دار رهایی یافت. به گزارش خبرنگار ما متهم که رحیم نام دارد از شهریور سال ۷۹ در زندان به سر می‌برد و حکم قصاص او سال‌ها قبل از سوی قاضی دادگاه عمومی تهران صادر شده اما به اجرا درنیامده بود تا اینکه بالاخره اولیای دم قربانی روزچهارشنبه هفته پیش با مراجعه به دادسرای امورجنایی تهران اعلام کردند از خون‌خواهی منصرف شده‌اند. صبح روز ۱۰ شهریور سال ۷۹ رحیم که آن زمان ۲۹سال داشت، در نزدیکی مجتمع تجاری بوستان واقع در میدان پونک دست به اسلحه برد. هدف او مردی به نام محمدرضا، سرهنگ بازنشسته پلیس و مدیر انتظامات مجتمع تجاری بوستان بود. رحیم بعد از تیراندازی به مرد بازنشسته سعی کرد از مهلکه بگریزد ولی مردمی که شاهد این صحنه بودند او را محاصره کردند. در این هنگام مرد مسلح بار دیگر انگشتش را روی ماشه فشرد و سه‌نفر را زخمی کرد. او سپس با پرتاب یک نارنجک داخل خودروی رنویی که در حال عبور از آنجا بود راننده را وادار به توقف کرد و سوار بر این اتومبیل گریخت. البته بعدها معلوم شد آن نارنجک قلابی بود. پس از این حادثه زخمیان به بیمارستان انتقال یافتند اما محمدرضا جان باخت. پس از آن همسر مقتول تحت بازجویی قرار گرفت. او متهم را به پلیس معرفی کرد و گفت: «رحیم در مجتمع تجاری کار می‌کرد ولی چون بی‌انضباط بود همسرم چند بار تصمیم گرفت اخراجش کند. هر دفعه افرادی واسطه می‌شدند و این اتفاق نمی‌افتاد تا اینکه بالاخره محمدرضا وقتی دید نصیحت و تذکر فایده‌ای ندارد، کارگر جوان را اخراج کرد. بعد از آن مدت‌ها از رحیم خبری نبود تا اینکه فهمیدیم به محل ما آمده و حتی از پسرم سراغ محمدرضا را گرفته است. در این مدت چند تماس تلفنی مشکوک نیز داشتیم و من مطمئن هستم قتل کار رحیم است.» رحیم بعدازظهر همان روز در جریان تجسس‌های گسترده پلیسی بازداشت شد و به قتل اقرار کرد. پس از آن محمدسلطان همتیار، قاضی وقت جنایی تهران محاکمه متهم را در حالی آغاز کرد که اولیای دم سرهنگ بازنشسته اعلام کردند خواسته‌ای به غیر از قصاص رحیم ندارد. رحیم در دادگاه نیز جرمش را گردن گرفت و گفت: «سه سال قبل به تهران آمدم و بعد از مدتی جست‌وجو در مجتمع تجاری بوستان به عنوان کارگر استخدام شدم ولی درگیری‌هایی که با محمدرضا داشتم باعث شد او من را اخراج کند. بعد از آن به شهر خودمان برگشتم و با اصرار خانواده‌ام ازدواج کردم ولی همچنان بیکار بودم و این مساله فشار زیادی را به من وارد می‌کرد. من محمدرضا را عامل همه گرفتاری‌ها و مشکلاتم می‌دانستم به همین خاطر از یک چوپان سلاحش را خریدم و به قصد انتقام‌گیری به تهران آمدم. قبل از هر کاری به همان مجتمع رفتم و با هیات مدیره صحبت کردم تا شاید اجازه بدهند دوباره مشغول به کار شوم ولی این گفت‌وگوها فایده‌ای نداشت. روز حادثه وقتی از مجتمع بیرون آمدم محمدرضا را دیدم و به طرفش شلیک کردم که یک گلوله به گردنش خورد.»

یک سال و نیم بعد از تشکیل این پرونده حکم قصاص متهم صادر شد و قضات دیوانعالی کشور نیز روز دوم شهریور سال ۸۱ رای صادره را تایید کردند. از آن به بعد رحیم در انتظار اجرای حکم قصاص بود ولی این حکم به مرحله اجرا درنیامد تا اینکه با تلاش واحد صلح و سازش دادسرای جنایی تهران اولیای دم رضایت خود را اعلام کردند.

انهدام دو شبکه بزرگ سرقت خودرو

متهمان، خودروهای مسروقه را با اسناد اتومبیل‌های تصادفی می‌فروختند

تعدادی از خودروهای کشف شده از دوشبکه سرقت؛ عکس‌ها شرق

شرق: اعضای دو باند حرفه‌ای سرقت خودرو که ده‌ها دستگاه خودروی سواری را دزدیده و با استفاده از اسناد اتومبیل‌های تصادفی آنها را فروخته‌اند دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل افسران اداره دوم پلیس آگاهی به اطلاعاتی دست یافتند که نشان می‌داد فرد سابقه‌داری به نام تورج، ۴۲ساله که سال گذشته به اتهام سرقت خودرو دستگیر شده بود بعد از آزادی از زندان دوباره دست به کار شده و با تشکیل باند تازه‌ای باز هم به سرقت خودرو روی آورده است. این اطلاعات نشان می‌داد تورج این بار با خریدن خودروهای تصادفی خودرویی شبیه آنها را سرقت کرده و با دستکاری در ارکان اتومبیل‌ها آنها را با ظاهری کاملا قانونی می‌فروشد. به این ترتیب به دستور دادیار شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۲۷ شناسایی مخفیگاه تورج و همدستانش در دستور کار افسران آگاهی قرار گرفت. تفحص‌های کارآگاهان حاکی از آن بود همدستان تورج به نام‌های ابراهیم، اصغر، احمد و پرویز در دو مخفیگاه در تهران و اسلامشهر پنهان شده‌اند. با گذشت مدتی از آغاز تجسس‌ها ماموران به اطلاعات تازه‌تری درباره تورج و باند تبهکاری‌اش دست یافتند که نشان می‌داد قرار است او و همدستانش در روز هفتم تیر یک دستگاه خودرو مسروقه را برای تعویض پلاک به مرکز تعویض پلاک خانی‌آباد منتقل کنند. به این ترتیب ساعتی پیش از آغاز به کار این مرکز افسران آگاهی به‌طور نامحسوس در آنجا مستقر شدند و همه چیز را تحت کنترل خود در آوردند. ساعاتی بعد در حالی که ماموران انتظار داشتند تورج را ببینند، شخصی به نام پرویز با فرد دیگری به مرکز تعویض پلاک آمد. زمانی که کارآگاهان خوب به چهره همدست پرویز دقت کردند متوجه شدند او تورج است که با استفاده از کلاه گیس و گریم، چهره جدیدی برای خودش درست کرده است. در چنین شرایطی ماموران دو متهم را غافلگیر و آنها را به پلیس آگاهی منتقل کردند. با آغاز بازجویی از دو متهم، محل دقیق مخفیگاه آنها در تهران و اسلامشهر و همچنین تعمیرگاهی در سلطان‌آباد شناسایی شد و در این تحقیقات مشخص شد تبهکاران در سطح وسیعی اقدام به خرید خودروهای تصادفی کرده و با مدارک این خودروها، ماشین‌های کاملا شبیه آنها را دزدیده‌اند. در ادامه سه عضو دیگر این گروه نیز دستگیر شدند. هم‌اکنون اعضای این شبکه در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنان ادامه دارد. در همین حال اعضای باند دیگری که خودروهای شهروندان را سرقت می‌کردند نیز بازداشت شدند. چندی قبل افسران اداره دوم پلیس آگاهی پایتخت حین گشت‌زنی به سرنشین یک دستگاه خودرو مظنون شدند. با توقف این خودرو مشخص شد در ارکان آن دستکاری شده و خودرو سرقتی است. راننده جوان که از دزدی بودن خودرویش بی‌اطلاع بود گفت: آن را اواخر سال گذشته از یکی از نمایشگاه‌ها خریده است. به این ترتیب ماموران به نمایشگاه رفتند اما در بررسی‌های بیشتر مشخص شد فروشنده با مدارک هویتی و آدرس جعلی خودرو را فروخته است. همچنین فاش شد این خودرو یک‌سال قبل دزدیده شده است و سارقان با شیوه سند-نمره آن را فروخته‌اند. در چنین شرایطی با کمک خریدار خودروی مسروقه، تصویر فرضی فروشنده ترسیم شد. از آنجا که کارآگاهان احتمال می‌دادند این فرد از مجرمان سابقه‌دار باشد تصویر به دست آمده با عکس افراد سابقه‌دار مقایسه و هویت وی فاش شد. اطلاعات موجود فاش کرد این فرد محمد نام دارد و بارها به اتهام سرقت بازداشت شده و در دور جدید سرقت‌هایش از پسرش داوود و چند سارق حرفه‌ای دیگر کمک گرفته است. به این ترتیب در سلسله عملیات‌های پلیس اعضای این شبکه بازداشت شدند. همچنین یکی از متهمان که پیش از افشای سرقت‌ها دستگیر شده بود نیز از زندان به پلیس آگاهی منتقل شد. بازجویی از دستگیرشدگان نشان داد آنها بیش از ۱۰ دستگاه انواع خودروی سواری را دزدیده و با استفاده از سند خودروهای تصادفی آنها را فروخته‌اند.

سرهنگ عباسعلی محمدیان رییس پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر از ادامه یافتن تحقیقات از متهمان خبر داد. وی همچنین به شهروندان توصیه کرد هنگام خرید خودرو جانب احتیاط را رعایت کنند.

پنج قاره

تیراندازی در جشنواره خانوادگی

فرانس‌پرس: تیراندازی در ایالت «اوهایو» در آمریکا یک کشته و سه زخمی برجا گذاشت. این حادثه روز یکشنبه در پی درگیری نزدیک جشنواره‌ای خانوادگی با نام «اتحاد خانوادگی در پارک» در شهر «کلیولند» روی داد. پلیس اعلام کرد در این تیراندازی یک پسر ۱۶ساله که از ناحیه سر هدف اصابت گلوله قرار گرفته بود، جان باخت و سه نفر دیگر نیز از جمله یک زن جوان زخمی شدند. پلیس از علت درگیری منجر به این تیراندازی اظهار بی‌اطلاعی کرده است.

افزایش آمار خودکشی در فوکوشیما

پلیس‌خبر: شمار خودکشی در بین ساکنان منطقه سونامی‌زده فوکوشیما در ژاپن رو به افزایش است. زلزله و سونامی شش‌ماه پیش در منطقه شمال شرقی ژاپن که خسارات جانی و مالی و آوارگی هزاران نفر را در پی داشت بر اساس تازه‌ترین تحقیقات صورت گرفته، افزایش شمار خودکشی در بین ساکنان این مناطق به ویژه منطقه فوکوشیما را به دنبال داشته است. «کوما هوسوکاوا» جامعه‌شناس در این‌باره گفت: «به سبب سونامی و آلودگی هسته‌ای منطقه فوکوشیما بسیاری از افراد کار خود را از دست داده‌اند، این موضوع باعث ناامیدی آنها و موجب شده است تا بسیاری از افراد به خودکشی روی آورند.»

بازداشت پدرخوانده

پلیس‌خبر: سرکرده یک باند قاچاق مواد مخدر در مکزیک بازداشت شد. این متهم به نام «خوزه انتونیو اگوستا هرناندز الیاس» طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ در ده‌ها قتل از جمله قتل چند نفر از مقامات مکزیک به دلیل خودداری از همکاری با گروهش دست داشته است. هرناندز روز جمعه در شهر مرزی «سیوداد خوارز» بازداشت شد؛ شهری که از نظر جرم و جنایت و قاچاق مواد مخدر شهرت دارد و در مسیر قاچاق مواد مخدر به آمریکا قرار دارد.

۴ کشته در سانحه هوایی

شینهوا: چهار نفر بر اثر برخورد دو هواپیمای کوچک در آلاسکا کشته شدند. این هواپیماها بعدازظهر شنبه نزدیک دریاچه «امبر» در منطقه‌ای واقع در حدود ۱۴۵ کیلومتری شمال شرقی «انکوریج» با یکدیگر برخورد کردند. مقامات اعلام کردند یکی از هواپیماها سقوط کرد و آتش گرفت و هر چهار سرنشین آن کشته شدند. هواپیمای دیگر نیز در فرودگاه بین‌المللی «تد استیونز» در انکوریج فرود اضطراری کرد. علت این حادثه در دست بررسی است.

برخورد دو قطار

ایسنا: برخورد قطار اکسپرس با یک قطار محلی در شرق هند باعث شد ۱۱ خودروی سواری منحرف و چندین نفر مجروح شوند. این قطار اکسپرس که به سمت بنگلور در جنوب هند در حال حرکت بود با قطار مسافربری محلی تصادف کرد. به گفته مقامات هندی در این سانحه یک نفر کشته و بیش از ۵۰ نفر زخمی شدند البته وزیر راه و ترابری اعلام کرده است احتمال دارد جسد یافت شده مربوط به این سانحه نباشد. وزیر راه هند همچنین گفت که به دنبال جزییات این حادثه هستند.

دستگیری مرد چاقو به دست در هواپیما

ایسنا: پلیس فرودگاه شهر تمپا در ایالت فلوریدای آمریکا مردی را به دلیل حمل چاقو به داخل هواپیما دستگیر کرد. پرسنل فرودگاه هنگام عبور این مرد از مقابل دوربین‌های امنیتی متوجه این قضیه شدند و به پلیس خبر دادند اما این مرد به دلیل اینکه پلیس فرد دیگری را به اشتباه دستگیر و بازرسی کرد، فرصت یافت به سمت هواپیما برود با این وجود باز هم دستگیر شد. این حادثه باعث تاخیر ۱۰دقیقه‌ای پروازها شد.

نگاه

عدالت کدام بود

مهدی ربانی*

■ پرستش عدالت، میلی ازلی- ابدی است. جملگی ما آرزوی عدالت را در سر می‌پرورانیم و به آن باور داریم؛ اما چگونگی عدالت و اجرای آن را دشوار می‌پنداریم. آمنه بهرامی نوا -قربانی اسید پاشی - در اقدامی غیرمنتظره و شگفت‌آور از قصاص چشم‌های مجید گذشت تا باردیگر وجدان‌های خفته مرتکبان جرایم خشن را به بیداری فراخواند. آمنه گذشت کرد اما با غمی بزرگ در دل که او را هردم می‌سازد و می‌فرساید. آمنه برای آرمان و دغدغه‌اش که همان ریشه‌کن شدن اسید پاشی در جامعه است هفت سال، تمام‌قد ایستاد و لحظه‌ای پا پس نکشید؛ اما در نهایت به واقع‌گرایی رسید و با دستانی سوخته و دلی سوخته‌تر و با چشمانی غمگین در اوج قدرت و در مامن و پناه قانون از قصاص صرف‌نظر کرد. شب قبل از قصاص وقتی با او هم‌سخن شدم و در قامت وکیل مجید با او صحبت کردم گفت حاضر است چشمانش را دو میلیون یورو بفروشد. در انتهای سخنم وقتی از عدم تامین این مبلغ و بی‌وفایی‌های مکرر افرادی چه بسا مشهور که حضوری و تلفنی قول مساعدت و کمک مالی داده بودند، گفتم با لبخندی تلخ و کنایه‌آمیز گفت: چشم‌هایش روی دستش ماند و اضافه کرد تو خریدار آنها نبودی و بلافاصله بدون تامل و تکبری گفت: شرف و چشم‌هایش را با پول معامله نمی‌کند. آن لحظه برایم دشوار نبود که دریابم آمنه تصمیم تاریخی خود را گرفته است. او قدرت بالای فکری، روشن ضمیری و درک عمیق خود را جاودانه کرد. این پرونده به رضایت ختم شد اما این پرسش بی‌پاسخ ماند که عدالت در کدام حالت متبلور بود، اجرای قصاص یا عدم اجرای آن؟

*وکیل مجید موحد

رخداد

قتل به خاطر تهمت ناروا

■ **شرق:** پسر جوانی که دوستش را به قتل رسانده است در جلسه محاکمه ادعا کرد، تهمت ناروای مقتول باعث این جنایت شد.

در ابتدای جلسه محاکمه این متهم که صبح دیروز در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد عطار، نماینده دادستان گفت: ماموران پلیس شهرری شامگاه ۲۳ اسفند سال ۸۸ از وقوع یک درگیری بین دو نوجوان باخبر شدند و از آنجا که مجروحان به بیمارستان انتقال یافته بودند آنها نیز به مرکز درمانی رفتند تا در این رابطه تحقیق کنند. ماموران مطلع شدند یکی از مجروحان به نام مرتضی بر اثر اصابت ضربات چاقو به گردنش به قتل رسیده است. یک روز بعد از حادثه، متهم به قتل به نام ساسان شناسایی و دستگیر شد و به اتهامش اعتراف کرد. بنا بر مدارک موجود در پرونده، جرم متهم محرز است و برای او درخواست مجازات قانونی دارم. در ادامه این جلسه اولیای‌دم مقتول نیز خواسته خود را قصاص متهم عنوان کردند. سپس ساسان به دفاع از خودش پرداخت. او اتهام قتل را قبول کرد و گفت: از یکی از دوستانم شنیده بودم مرتضی نسبت ناروایی را به خانواده من داده بود. شب حادثه به همراه همان فرد پیش مرتضی رفتم تا مطمئن شوم او این حرف را زده است. اول انکار کرد و بحث ما هم تمام شد اما همان فردی که از مرتضی نقل قول کرده بود دوباره به من گفت مرتضی دروغ می‌گوید و این حرف را زده است. دوباره پیش مرتضی رفتم و او این بار به من گفت، این حرف را زده است. من هم عصبانی شدم و در جریان درگیری کوتاه ما، او یک ضربه چاقو به بازویم زد و من هم دو ضربه به گردن و کتفش زدم. متهم ادامه داد: من از کاری که کرده‌ام پشیمان هستم و از اولیای دم تقاضای بخشش دارم. بنابر این گزارش بعد از اتمام جلسه دادگاه هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

ادامه از صفحه اول

حرکت پروانه‌ای «گذشت»

اکنون با این بخشش جامعه به نسبت دوگانه بخشش و انتقام نگاه دوباره‌ای می‌اندازد و با فهم مقدمات یک عمل و تاثیر آن در گفت‌وگویی درونی با خود اندکی مهربان‌تر خواهد شد. این گذشت، بذر بسیاری از بخشش‌ها را در درازمدت و اعمال احتمالی آتی شهروندان، جامعه و حاکمیت رویانده است. بسیاری از شهروندان برای حق قصاص او احترام قایل بودند و گفتند اگر جای او بودند، حتما همین کار را می‌کردند. نظرخواهی نگارنده با اغلب افراد راجع به اینکه اگر جای آمنه بودید چه می‌کردید؟ موید قصاص بود نه گذشت. بنابراین افکار عمومی از ابتدا واجد یک واکنش تصنعی و ناصحانه نبود و این واکنش نشان‌دهنده درگیری ذهنی و عملی با موضوع است و حال بعد از این همه عکس‌العمل و بررسی‌های رسانه‌ای، واکنش افکار عمومی و جامعه‌مدنی، تصمیم آمنه به ناگهان همه ما را با چهره مهربان و زیبای جامعه‌مان روبه‌رو کرد. عمل آمنه در ناخودآگاه جمعی جامعه ایرانی وارد شد. به گمان من عمل آمنه برای جامعه ما بسان یک تطهیر، پالایش و والایشی روحی - کاتارسیس- بوده تا به‌جای انتقام و نابودی به تماشای طرحی نو با قالب صبر، گذشت و گفت‌وگو رود. چنین باد.

*حقوقدان